

## نقش عوامل اجتماعی (خانواده، مدرسه و گروه همسالان) در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان استان گلستان

علیرضا قربانی، استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام‌نور، ایران\*

سکینه جمعه‌نیا، دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، ایران

### چکیده

هدف این مقاله، بررسی نقش عوامل اجتماعی (خانواده، مدرسه و گروه همسالان) در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان استان گلستان بود. روش پژوهش کمی از نوع توصیفی با پیمایش اجتماعی است. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دبیرستانی استان گلستان به تعداد ۷۶۱۵۶ نفر است که با استفاده از فرمول برآورد حجم نمونه کوکران، حجم نمونه‌ای برابر با ۴۰۰ نفر از جامعه آماری انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و تصادفی ساده بود. ابتدا شهرهای استان، سپس مدارس و در نهایت از طریق لیست دبیران نمونه‌ها به طور خوشه‌ای چند مرحله‌ای و تصادفی انتخاب شدند. یافته‌ها نشان داد بین گروه همسالان، خانواده، مدرسه و جامعه‌پذیری رابطه همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود داشت. همچنین بین گروه‌های سنی مختلف و جنس (دختر و پسر)، تفاوت معناداری در جامعه‌پذیری وجود داشت. در خاتمه همچنین خانواده، پیش‌بینی‌کننده جامعه‌پذیری دانش‌آموزان گزارش شد. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های بسیاری هم‌خوان بود. در دوره جدید، تغییرات چشمگیری در عوامل جامعه‌پذیری صورت گرفته است؛ به‌طوری‌که امروزه، حضور در فضای مجازی هم بر فرد جامعه‌پذیر و هم دیگر عوامل جامعه‌پذیری تأثیر گذاشته است. وزن و ترکیب عوامل جامعه‌پذیری (خانواده، مدرسه، همسالان) در سه دوره سنتی، مدرن اولیه و مدرن متأخر دگرگون شده است؛ اما همچنان نقش خانواده منحصر به فرد و بی‌بدیل مانده است.

واژه‌های کلیدی: عوامل اجتماعی، جامعه‌پذیری، دانش‌آموزان، استان گلستان

## مقدمه و بیان مسأله

جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن<sup>۱</sup>، از نظر لغوی به معنای انطباق و آشناسازی با جامعه است (حق‌شناس و همکاران، ۱۳۸۷: ۸۴۲). در جامعه‌شناسی، این مفهوم به فرایندی اطلاق می‌شود که در آن، افراد ویژگی‌هایی کسب می‌کنند که شایسته عضویت آنها در جامعه است (Scruton, 2007: 649). به عبارت دیگر، جامعه‌پذیری نوعی فرایند کنش متقابل اجتماعی است که در آن، فرد هنجارها، ارزش‌ها و دیگر عناصر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجود در گروه یا محیط پیرامون خود را فرا می‌گیرد، آن را درونی و با شخصیت خود، یگانه می‌کند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵: ۱۴۴). بعد از خانواده، گروه همسالان، دومین عامل جامعه‌پذیری نامیده می‌شود (ستوده، ۱۳۸۵).

به گروه‌ها یا زمینه‌های اجتماعی که فرایندهای مهم اجتماعی شدن در آنها رخ می‌دهد به عنوان عوامل اجتماعی شدن (جامعه‌پذیری) اشاره می‌شود. جامعه‌پذیری در دو مرحله کلی صورت می‌گیرد:

الف) جامعه‌پذیری نخستین<sup>۲</sup>؛ فرایندی است که میان فرد و گروهی رخ می‌دهد که با او در تماس نزدیک و صمیمی هستند و بیشتر در سال‌های اولیه زندگی اتفاق می‌افتد. عوامل اصلی این مرحله، خانواده و گروه همسالان هستند.

ب) جامعه‌پذیری ثانوی یا مجدد<sup>۳</sup>؛ این فرایند در وضعیت‌های رسمی‌تر رخ می‌دهد؛ اما هیچ‌یک از این وضعیت‌ها شخصی نیست. در این مرحله، عوامل جامعه‌پذیری، بخشی از مسئولیت‌های خانواده را به عهده می‌گیرند. عوامل اصلی در این مرحله مدرسه و رسانه‌های ارتباط جمعی هستند (ستوده و همکاران، ۱۳۷۶: ۱۰۲).

دوران نوجوانی با تغییرات گسترده و متعدد و افزایش آسیب‌پذیری همراه است. معمولاً شروع بلوغ با بلوغ روانی زودهنگام یا دیرهنگام و ریسک‌پذیری بالا همراه است و در نوجوانان دختر و پسر به شکل متفاوتی ظهور می‌کند (Gilbert,

13: 2015). نوجوانی از جمله مراحل در فرایند رشد است که بسیاری از نظریه‌پردازان در حوزه‌های مختلف روان‌شناسی و علوم اجتماعی به آن توجه می‌کنند و هر کدام از آنها برای این مرحله، اهمیت خاصی قائل شده‌اند. این مرحله به علت تغییرات عمده‌ای که رخ می‌دهد به طور ویژه توجه متخصصان را به خود جلب کرده است. برخی از ادوار زندگی به دلیل تأثیرات فیزیکی با اهمیت تلقی می‌شوند و برخی دیگر از لحاظ تأثیرات روحی درخور اعتنا هستند؛ اما نوجوانی با توجه به هر دو مورد مهم است (شرفی، ۱۳۸۱: ۱۲).

با جامعه‌پذیری، نوجوانان به رسمیت شناختن، برچسب و مدیریت نمایش عاطفی خود را یاد می‌گیرند و همچنین هنجارهای اجتماعی خود را بازنگری می‌کنند (Morris et al., 2007 & Shipman et al., 2003). والدین، عامل عمده اجتماعی شدن در سنین پایین هستند و این نفوذ در نوجوانی نیز ادامه دارد. باین‌حال، دوستان صمیمی، زمینه دیگری برای اجتماعی شدن در دوران نوجوانی به شمار می‌روند (Rubin et al., 2011 & Collins & Laursen, 2004). والدین و دوستان در طیف وسیعی از استراتژی اجتماعی شرکت دارند؛ مانند مدل‌سازی بیان احساسات در پاسخ به احساسات نوجوانان و بحث درباره احساسات با نوجوانان (Eisenberg et al., 1998; Morris et al., 2007 & Brechwald & Prinstein, 2011).

از آنجاکه پیوند نوجوانان با والدینشان به تدریج ضعیف‌تر می‌شود، همسالان در رشد روانی آنان نقش حساسی می‌یابند. همسالان، امکاناتی برای یادگیری مهارت‌های اجتماعی، کنترل رفتار و در میان گذاشتن مشکلات و احساسات مشابه فراهم می‌کنند. پذیرفته شدن از سوی همسالان و داشتن چند دوست نزدیک در زندگی نوجوان بسیار اهمیت دارد. دوستان نزدیک معمولاً هم‌سن و هم‌جنس هستند و زمینه‌های خانوادگی، ارزش‌ها و هدف‌های مشابهی دارند؛ اما استثنا هم وجود دارد (جذابیت‌های آدم‌هایی که خصوصیات مخالف خصوصیات نوجوان دارند).

واژه «همال» به معنای برابر است و روابط دوستی میان

<sup>1</sup> Socialization

<sup>2</sup> Primary Socialization

<sup>3</sup> Secondary Socialization

نمی‌رود؛ بلکه پایه‌ی نهاد آموزش و پرورش حرکت می‌کند و نهادهای اجتماعی دیگر این عمل را تا پایان عمر فرد تداوم می‌بخشند (ربانی خوراسگانی و مؤمنی‌راد، ۱۳۹۵: ۵۵).

تأثیرات والدین و گروه همسالان در بسیاری موارد همسو هستند و با هم تعارضی ندارند (Hartup, 1983: 196-103). برخلاف عقیده رایج، همسالان، ارزش‌های اساسی والدین را تقویت می‌کنند و با آن مخالف نیستند؛ هرچند ممکن است از لحاظ سلیقه یا آداب‌ورسوم اختلافاتی داشته باشند. گروه‌های همسالان نوجوان شامل جمعیت بزرگ‌تر و غیرشخصی و نیز دسته کوچک‌تر و دوستی‌های فردی است. عوامل بسیاری در پذیرفته‌شدن نوجوانان از سوی همسالانشان تأثیر می‌گذارد و این عوامل عبارتند از هوش، شکل ظاهری، مهارت‌ها، موقعیت اجتماعی و استعداد‌های خاص. به‌طور کلی، نوجوانان، همسالانی را ترجیح می‌دهند که بدشانس، انعطاف‌پذیر، خوش‌طینت و مشتاق باشند؛ از نظر آنها افرادی محبوبند که به دیگران یاری می‌دهند تا احساس کنند از سوی سایرین پذیرفته شده‌اند (کیگان و همکاران، ۱۳۸۰).

مدارس نیز در فرایند اجتماعی‌شدن نقش دارند. آموزش در مدارس، فرایندی رسمی است. برنامه معینی وجود دارد که باید از درس فرا گرفته شوند. در کنار برنامه آموزشی رسمی، چیزی وجود دارد که بعضی جامعه‌شناسان آن را برنامه آموزشی پنهان نامیده‌اند که یادگیری کودکان را مشروط می‌کند. در مدارس از کودکان انتظار می‌رود به موقع در کلاس حاضر باشند، در کلاس آرام باشند، مقررات انضباطی مدرسه را بپذیرند و نسبت به آن پاسخگو باشند. واکنش‌های معلمان نیز بر انتظاراتی تأثیر می‌گذارند که کودکان از خودشان دارند و به نوبه خود با تجربه شغلی آنها زمانی پیوند می‌خورد که مدرسه را ترک می‌کنند (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۰۶).

روابط همسالان، بیشتر در سراسر زندگی شخصی اهمیت خود را حفظ می‌کند؛ به‌ویژه در نواحی که تحرک اجتماعی زیاد نیست، افراد ممکن است در بیشتر یا همه زندگیشان

افراد به‌طور معقول به برابری‌طلبی گرایش دارد. گروه‌های همسالان، گروه‌های دوستی هم‌سن هستند. روابط همسالان، امروز حتی بیشتر از پیش اهمیت دارد که به دلیل افزایش نسبت زنازی است که اکنون جزء نیروی کار هستند و فرزندانشان در مراکز مراقبت روزانه با همدیگر به سر می‌برند. نظریه‌های مید و پیازنه<sup>۱</sup> هر یک به‌حق بر اهمیت روابط همسالان تأکید می‌کنند. پیازنه به‌ویژه بر این واقعیت تأکید می‌کند که روابط همسالان، دموکراتیک‌تر از روابط میان کودک و پدر و مادرش است. روابط همسالان برپایه رضایت متقابل استوار است و برپایه وابستگی نیست که ذاتی موقعیت خانوادگی است و ناچار باید میزان زیادی بده‌بستان وجود داشته باشد (گیدنز، ۱۳۹۰: ۸۶). همسالان، بخشی از زندگی نوجوانان هستند که نوجوانان را حمایت می‌کنند تا وارد جامعه شوند. همسالان به نوجوان کمک می‌کنند تا تمرین الگوپذیری و نقش‌پذیری داشته باشد (گیدنز، ۱۳۹۰: ۱۰۵).

در اصطلاح عوام، واژه همسالان تقریباً با واژه نوجوانی مترادف است. در بسیاری از جوامع، روابط با همسالان، همراه خانواده و مدرسه، مهم‌ترین زمینه برای رشد ویژگی‌های فردی و دانش اجتماعی مهارت‌های لازم برای نقش‌ها و وظایف بزرگسال است (شهرآرای، ۱۳۸۴: ۲۹۱).

در همه فرهنگ‌ها، خانواده، عامل اصلی جامعه‌پذیرشدن کودک در دوران طفولیت است. خانواده، اساسی‌ترین نهاد جامعه‌پذیرکردن کودک به‌ویژه در سال‌های حساس اولیه زندگی است. خانواده با شرایط صحیح، کودکان را آماده می‌کند تا توانایی‌های بالقوه خود را شناسایی کنند و به‌عنوان افراد بالغ در جامعه نقش‌های سودمندی را بر عهده گیرند. کودکان در فرایند جامعه‌پذیری در خانواده، امرونهی والدین، تقلید و همانندسازی را یاد می‌گیرند که از مهم‌ترین شیوه‌های انتقال ارزش‌ها، هنجارها و سنت‌های اجتماعی است (محسنی، ۱۳۸۷: ۱۳۱). جامعه‌پذیری در خانواده آغاز می‌شود و با رفتن فرد به جامعه و محیط‌های آموزشی، فعالیت خانواده از بین

<sup>1</sup> Meade & Piaget

متغیرهای استفاده از رسانه‌های جدید، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و کنترل اجتماعی خانواده با جامعه‌پذیری معنادار است. متغیرهای استفاده از رسانه‌های جدید، کنترل اجتماعی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی با بلوغ زودرس رابطه معنادار دارند. همچنین با کنترل متغیر بلوغ زودرس، سطح معناداری رابطه متغیرهای استفاده از رسانه‌ها، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و کنترل اجتماعی خانواده با جامعه‌پذیری تغییر می‌کند؛ یعنی متغیر بلوغ زودرس، به‌عنوان متغیر واسطه، بر رابطه‌ها تأثیر دارد.

اسدنژاد (۱۳۹۳) نشان داد بین جامعه‌پذیری دینی به‌عنوان متغیر وابسته و متغیرهای مستقلی مانند سن، پایه تحصیلی، رشته تحصیلی، درآمد، نوع مسکن، نقش الگویی خانواده، سرمایه فرهنگی، نقش معلم، شیوه‌های فرزندپروری، انواع سبک‌های مدیریت، نقش مربی و نقش محتوای کتاب‌های درسی رابطه معناداری وجود دارد؛ اما بین جامعه‌پذیری دینی و تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، شغل پدر، شغل مادر و بعد خانوار رابطه معناداری وجود ندارد. جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان از حد متوسط بالاتر است. خانواده در جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان بیشتر از مدرسه نقش دارد.

دسترنج (۱۳۹۲) نتیجه گرفت متغیرهای تحصیلات مادر، وضعیت اشتغال مادر، شغل مادر، شغل پدر، تحصیلات پدر، درآمد خانوادگی با جامعه‌پذیری رابطه معنادار دارند که برخی از آنها با جامعه‌پذیری رابطه مستقیم و برخی رابطه معکوس داشته‌اند. سیدی (۱۳۹۲) نشان داد مدرسه در مقام کارگزار اجتماعی شدن توانسته است سیمایی مشروع در نظر دانش‌آموزان داشته باشد و عاملی اثرگذار در شکل‌گیری ارزش‌های دینی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی معرفی شود. حاضری و شریفی (۱۳۸۸) در پژوهش خود دریافتند در دوره جدید، تغییرات چشمگیری در عوامل جامعه‌پذیری صورت گرفته است؛ به‌طوری‌که امروزه، حضور در فضای مجازی، هم بر فرد جامعه‌پذیر و هم بر دیگر عوامل جامعه‌پذیری تأثیر می‌گذارد. وزن و ترکیب عوامل جامعه‌پذیری (خانواده، مدرسه، همسالان

عضو یک جرگه<sup>۱</sup> غیررسمی باشند یا یک گروه از دوستان را حفظ کنند؛ حتی در جایی‌که این‌گونه نباشد، احتمال دارد روابط گروه همالان، فراتر از دوران کودکی و نوجوانی، تأثیر مهمی داشته باشد. گروه‌های غیررسمی افرادی که در سنین مشابهی هستند، در محل کار یا حوزه‌های دیگر، معمولاً در شکل دادن به نگرش‌ها و رفتار افراد اهمیت پایداری دارند (گیدنز، ۱۳۹۰: ۱۰۵). ساوین و همکاران<sup>۲</sup> (۱۹۹۰) و براون<sup>۳</sup> (۱۹۹۰) در پژوهش خود نشان داده‌اند نوجوانان، بیشتر خود تصمیم می‌گیرند تا اینکه دنباله‌رو خواسته‌های همسالان یا بزرگسالان باشند.

برپایه پژوهش‌ها، نوجوانان در سه مورد از همسالان الگو می‌گیرند که عبارتند از:

- ظاهر (تیپ ظاهری، مو و ...)

- پوشش (لباس‌ها، مدها و ...)

- زبان (تکیه کلام‌ها و ...)

روابط ضعیف با همسالان در دوران کودکی و نوجوانی، ناسازگاری‌های عاطفی دوران بزرگسالی، بزهکاری، اختلالات در سازگاری جنسی و سایر رفتارهای ناسازگارانه را منجر می‌شود (هاشمیان، ۱۳۹۲).

یگانگی اجتماعی، شرط بقای هر جامعه است؛ از این رو هر جامعه می‌کوشد با جامعه‌پذیری، اعضای خود را با هنجارها و ارزش‌های اجتماعی آشنا کند و به آنها مطالبی بیاموزد تا بتوانند متناسب با هنجارهای جامعه خود زندگی کنند. اگر فرایند اجتماعی شدن ناموفق باشد و هنجارهای جامعه را ملکه ذهن افراد نکند، افرادی در جامعه پرورش می‌یابند که به‌علت درونی‌نشدن هنجارها، از تخلف و قانون‌شکنی احساس پشیمانی و شرمساری نمی‌کنند و تنها نیروی درونی بازدارنده آنها از انحرافات اجتماعی از بین می‌رود (چلبی، ۱۳۸۹).

صداقت‌زادگان و امیدوار (۱۳۹۴) دریافتند بلوغ زودرس جسمی با جامعه‌پذیری رابطه معنادار دارد. همچنین رابطه

<sup>1</sup> Clique

<sup>2</sup> Savin et al.

<sup>3</sup> Brown

آیزنبرگ<sup>۲</sup> شیوه‌های تربیتی را در جامعه‌پذیری کودک به صورت زیر برشمرده است: ۱. الگوسازی؛ ۲. تأثیر پند و اندرز بزرگسالان؛ ۳. راهنمایی برای کمک‌کردن؛ ۴. انتساب صفات معین اجتماعی؛ ۵. تنبیه و تشویق و ۶. اهمیت آموزش همدلی. همچنین پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده با توجه به نظرات گود، اعزازی و برنشتاین در شکل‌گیری رفتار فرد بسیار مهم است. از تعاریف متفاوت و مختلف جامعه‌پذیری و شیوه‌های این فرایند، از برآیند مباحث اندیشمندان، موارد زیر برگزیده شده‌اند: الگوسازی، تنبیه، تشویق، روابط عاطفی و برهان و دلیل. به نظر می‌رسد خانواده به‌عنوان نهادی غیررسمی در رسالت جامعه‌پذیری خود، تفاوت‌هایی دارند که گاهی این تفاوت‌ها بروز تعارض شدید در افراد جامعه‌پذیرشونده را باعث می‌شود. این تفاوت‌ها یا در نوع هنجارها و ارزش‌هایی است که این دو نهاد قصد درونی‌کردن آنها را در فرد جامعه‌پذیر دارند یا در نوع شیوه تربیتی (مثبت و منفی) است که در فرایند جامعه‌پذیری اتخاذ می‌کنند (چلبی، ۱۳۸۹ به نقل از ذالفقاری زعفرانی و علی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۵۳).

اریکا کلری<sup>۳</sup> به جامعه‌پذیری مثبت و منفی و ابعاد جامعه‌پذیری مثبت اشاره کرده بود. گفتنی است عوامل جامعه‌پذیری (خانواده و مدرسه) در صورتی در جامعه‌پذیری فرد نقش مثبت دارند که ابتدا نقش الگویی برای فرد داشته باشند؛ دوم، تنبیه و تشویق مناسب در شیوه تربیتی خود داشته باشند؛ سوم، روابط عاطفی قوی با فرد داشته باشند و چهارم، رابطه منطقی همراه با ارائه برهان و دلیل برای آموزش‌های خود به فرد اتخاذ کنند. در غیر این صورت، نوع جامعه‌پذیری آنها منفی است. طبق نظریه‌های کولی<sup>۴</sup> و پارسونز<sup>۵</sup>، خانواده اهمیت به‌سزایی در شکل‌گیری رفتار و گرایش‌های فرد دارد. دورکیم<sup>۶</sup> بر اهمیت مدرسه و آموزش و پرورش اشاره کرده و گفته است: خانواده و مدرسه دو نهاد مهم در درونی‌کردن

و رسانه) در سه دوره سنتی، مدرن اولیه و مدرن متأخر دگرگون شده است. روایی (۱۳۷۸) در پژوهش خود نشان داد بین میزان احترام و منزلت فرد و الگوپذیری رابطه وجود دارد و با افزایش احترام و منزلت فرد، الگوپذیری از او نیز افزایش می‌یابد. بین میزان برآورده‌شدن نیازهای دانش‌آموزان و الگوپذیری رابطه وجود دارد و با افزایش برآورده‌شدن نیازهای دانش‌آموزان، الگوپذیری آنان نیز افزایش می‌یابد. همچنین مشخص شد میزان مستبدبودن والدین در الگوپذیری تأثیر دارد و با کاهش استبداد والدین، الگوپذیری از آنان افزایش می‌یابد. از نتایج دیگر پژوهش اینکه بین نبودن پوشش، رفتار و افکار فرد الگوپذیر رابطه وجود دارد؛ اما بین میزان محبت فرد با الگوپذیری رابطه‌ای مشاهده نشد. باتوجه به آنچه گفته شد، سؤال اصلی پژوهش این است که نقش عوامل اجتماعی در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان استان گلستان چگونه است.

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در تئوری کلاسیک، اصلی‌ترین و مهم‌ترین عامل جامعه‌پذیری، خانواده برشمرده می‌شد و در کنار آن، گروه همسالان و مدرسه جزء عوامل بعدی مطرح بودند. خانواده، متغیر اصلی تحلیل‌ها و نظریه‌های دانشمندانی است که درباره جامعه‌پذیری نظریه‌پردازی کرده‌اند. خانواده، نهاد پر قدرت اجتماعی، نقش محوری در بحث‌های جامعه‌پذیری کودک و افراد دارد و به متغیرهای دیگر مانند مدرسه و همسالان در رده‌های بعدی توجه شده است (حاضری و شریفی، ۱۳۸۸: ۴۷-۴۶).

ویلیامز جی گود<sup>۱</sup> معتقد است خانواده، مهم‌ترین نهاد جامعه‌پذیری، با عمل‌کردن به شیوه‌های زیر در فرایند جامعه‌پذیری کودک موفق است: ۱. داشتن روابط عاطفی با فرزند؛ ۲. اقتدار شناخته‌شده؛ ۳. داشتن نقش الگویی؛ ۴. پایداری در روابط؛ ۵. دادن آزادی به فرزند؛ ۶. برقراری ارتباط با ارائه توضیح و دلیل و ۷. تنبیه و تشویق مناسب. نانسی

<sup>2</sup> Nansi Ayzenberg

<sup>3</sup> Erika Clery

<sup>4</sup> Cooley

<sup>5</sup> Parsons

<sup>6</sup> Durkheim

<sup>1</sup> William J. Good

و حیات اجتماعی رابطه وجود دارد. در نهایت، بین متغیر اصلی و مستقل خانواده و متغیر وابسته جامعه‌پذیری رابطه معنادار یا ضریب ۹۵٪ وجود دارد.

حاضری و شریفی (۱۳۸۸) در پژوهش خود دریافتند در دوره جدید، تغییرات چشمگیری در عوامل جامعه‌پذیری صورت گرفته است؛ به طوری که امروزه، حضور در فضای مجازی هم بر فرد جامعه‌پذیر و هم دیگر عوامل جامعه‌پذیری تأثیر گذاشته است. وزن و ترکیب عوامل جامعه‌پذیری (خانواده، مدرسه، همالان و رسانه) در سه دوره سنتی، مدرن اولیه و مدرن متأخر دگرگون شده است.

روایی (۱۳۷۸) در پژوهش خود نشان داد که بین میزان احترام و منزلت فرد و الگوپذیری رابطه وجود دارد و با افزایش احترام و منزلت فرد، الگوپذیری از او نیز افزایش می‌یابد. بین میزان برآورده شدن نیازهای دانش‌آموزان و الگوپذیری رابطه وجود دارد و با افزایش برآورده شدن نیازهای دانش‌آموزان، الگوپذیری آنان نیز افزایش می‌یابد. همچنین، مشخص شد میزان مستبد بودن والدین در الگوپذیری تأثیر دارد و با کاهش استبداد والدین، الگوپذیری از آنان افزایش می‌یابد. نتیجه دیگر اینکه بین نوبودن پوشش، رفتار و افکار فرد الگوپذیر رابطه وجود دارد؛ اما بین میزان محبت فرد با الگوپذیری رابطه مشاهده نشد.

خوشفر (۱۳۷۴) در پژوهش خود آورده است خانواده و مدرسه از نهادهای اولیه اجتماعی کردن کودک و نوجوان به شمار می‌روند. اگر خانواده یک نوع خاص از ارزش، مدرسه نوع دیگری از ارزش و گروه همسالان نوع سوم را به کودکان و نوجوانان القا کنند، نباید به تعادل رفتاری کودک و نوجوان امیدوار بود. در این وضعیت، شخصیت کودک به خطر خواهد افتاد و فرایند جامعه‌پذیری نیز دچار اشکال خواهد شد.

جمشیدی و همکاران (۱۳۷۴) در پژوهش خود با عنوان مقدمه‌ای بر نقش خانواده، مدرسه و گروه همسالان در هنجارپذیری دانش‌آموزان معتقد است پیوند قوی تری میان نوجوانان بررسی شده و والدین آنها نسبت به خواهر و برادر

ارزش‌ها و هنجارهایی هستند که خود حامل آن هستند و این هنجارها یا با شیوه جامعه‌پذیری از نوع مثبت یا از نوع منفی به فرد ارائه می‌شوند. طرفداران جنبش «آموزش در خانه» و «ایلچ» به تفاوت‌های اساسی بین این دو نهاد اشاره کردند. طبق نظر آنان، مدرسه نهادی مناسب برای آموزش و جامعه‌پذیری واقعی در افراد نیست. مدرسه به دلیل متفاوت بودن در نوع هنجارها، ارزش‌ها و نوع آموزش و ارتباط با خانواده تفاوت دارد و همچنین هنجارها و ارزش‌های درون نهاد مدرسه و برنامه مدون آنها برای آموزش افراد، کودکان و نوجوانان را به جهان واقعی متصل نمی‌کند که در آینده بستر فعالیت‌های آنان است (تنهایی، ۱۳۷۹).

حسن‌پور (۱۳۹۳) در پژوهش خود نشان داد بین الگوهای جامعه‌پذیری دانش‌آموزان و میزان آگاهی هویت جنسی رابطه وجود دارد. همچنین، بین الگوی دموکراتیک و میزان آگاهی هویت جنسی، بین الگوی استبدادی و میزان آگاهی هویت جنسی و بین الگوی آسان‌گیر و میزان آگاهی هویت جنسی دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد. نتیجه آزمون تی تست نشان داد میزان آگاهی هویت جنسی بین پسران از میزان آگاهی هویت جنسی دختران بالاتر است. نتایج آزمون تحلیل واریانس نشان داد میزان آگاهی هویت جنسی دانش‌آموزان در بین خانواده‌های آسان‌گیر از خانواده‌های دموکراتیک و استبدادی متفاوت است؛ به طوری که میزان آگاهی هویت جنسی فرزندان خانواده‌های آسان‌گیر پایین و میزان آگاهی هویت جنسی خانواده‌های دموکراتیک و استبدادی بالا است.

ویسی (۱۳۹۳) در پژوهش خود نتیجه گرفت از مجموع عوامل مطرح شده، متغیرهای پایگاه اجتماعی - اقتصادی (بعد عینی و ذهنی)، نوع رسانه، جنسیت و ... بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان دبیرستانی تأثیرگذار هستند.

عزیزآبادی فراهانی (۱۳۹۰) نشان داد بین متغیر استحکام در خانواده و پیوند اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد. بین متغیر نظارت در خانواده و پیوند اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد. بین متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی و پیوند اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد. بین متغیر اختلاف نسلی در خانواده

(Smedley, 1992).

الیس و پیرسن (1992) نشاد دادند چگونه ارزش‌های والدین بر تکنیک‌های پرورش کودک تأثیر می‌گذارند. نتایج نشان داد نقش ارزش‌ها روی پیروی کردن مثبت است، هم با تنبیه بدنی (همان‌طور که قبلاً نشان داده شد)، هم با استفاده از موعظه و کنترل کلی. به‌طور مشابه، نقش ارزش‌ها در اعتماد به نفس با استفاده از این سه تکنیک منفی است (Ellis & Petersen, 1992).

کاغذچی‌باشی (1990) با ارائه خلاصه‌گسترده و یک‌پارچه از کار میان فرهنگی بر خانواده‌ها و پرورش کودکان، بعد از نقد گسترده با استفاده از روش‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، خانواده را مطالعه کرده است و نشان داد باتوجه به زندگی و شیوه اجتماعی خانواده (به‌عنوان مثال، اعتقادات والدین و ارزش‌ها، الگوهای تعامل پدر و مادر کودک و وابستگی / استقلال) و مدل‌های مختلف از زندگی خانوادگی و روند آن در جهان، ما را به یک مدل سوم مشترک هدایت می‌کند (Kâğıtçıbaşı, 1990).

الیسکیادوراسن و تورن (2002) نشان دادند کار کودک، مدرسه و محیط خانه در اجتماعی شدن فرزندان در خانواده‌های فقیر در تعامل نزدیک است. این پژوهش تأکید می‌کند خانواده، جایگاه ممتازی در ایجاد، حفاظت، پشتیبانی و نگهداری از روابط در جامعه برزیل دارد (Auxiliadora Dessen & Torres, 2002).

مویتوزو<sup>۱</sup> (2002) نشان داد بهترین مکان برای آموزش واقعی، جهان واقعی و ارتباط با مردم واقعی است که کارهای گوناگونی انجام می‌دهند، نه در مکانی که با مهارت‌های مختلف با بزرگترها کنترل می‌شود. والدین، نخستین جهت‌دهنده‌های کودک هستند؛ اما والدین و مدارس نباید فقط کنترل‌کننده کودکان باشند؛ بلکه باید برای آنها مشاور باشند. در نتیجه، «آموزش در خانه»، بهترین متد برای آموزش واقعی است؛ آموزشی که والدین نقش اساسی را در آن دارند و آموزش در تمام عمر فرد ادامه دارد و هرگز کامل نمی‌شود؛ بلکه فرد هر روز بر تجربیات خود می‌افزاید.

اسمدلی (1992) در پژوهش خود نتیجه گرفت بچه‌هایی

آنان وجود دارد. بین پدر و مادر، مادر پایگاه اول را دارد و ارتباط با او شدیدتر است. روابط با دوستان همکلاسی نسبت به غیرهمکلاسی بیشتر است. نوجوانان از سازمان مدرسه ارزیابی مثبتی دارند. بیشتر نوجوانان، ارزش‌ها را در راستای ارزش‌های دوستان و خانواده می‌بینند. در محیط خانه، مدرسه و دوستان، صمیمت، تفاهم، یک‌رنگی و احترام متقابل بیشترین ارزش و مطلوبیت را در بین نوجوانان دارد. درخصوص گذران اوقات فراغت، بیشتر فراغت خود را صرف گوش دادن به موسیقی، مطالعه کتاب و گردش و تفریح می‌کنند. هنجارپذیری دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های شهر تهران، خانواده و به‌ویژه گروه دوستان نسبت به مدرسه در جذب نوجوانان موفق‌تر بوده است و رابطه عاطفی آنها با مادرانشان بیشتر از پدرانشان بوده است. نهادهای خانه، مدرسه و گروه همسالان در ارائه و انتقال ارزش‌ها و هنجارها به نوجوانان نقش اساسی دارند.

امیری قمصری (۱۳۷۳) نشان داد با افزایش سن والدین و گذشتن از زمان ازدواج، اجتماعی شدن فرزندان به‌صورت مناسب صورت می‌گیرد. آن دسته از تئوری‌هایی بهتر و مناسب‌تر می‌توانند فرزندان خویش را اجتماعی کنند که بیان می‌کنند خانواده‌هایی در ظاهر تأیید نمی‌شوند که والدین آن، سطح تحصیلات بالاتری دارند؛ اما درواقع تأثیر خود را هنگام ایفای نقش آموزشی و الگویی به جای می‌گذارد. بررسی نتایج متغیر انتظارات والدین از یکدیگر این مطلب مهم و اساسی را بیان می‌کند که اجتماعی شدن در خانواده‌هایی بهتر و مناسب‌تر صورت می‌گیرد که والدین با هم تفاهم بیشتری دارند و از یکدیگر حمایت می‌کنند.

اسمدلی (1992) نشان داد کودکانی که در خانه تحصیل می‌کنند به‌طور درخور توجهی اجتماعی‌تر و بالغ‌تر از کسانی بودند که در مدرسه عمومی تحصیل می‌کردند؛ یعنی، خانواده کودکانی که در خانه تحصیل می‌کنند به اندازه کافی به نیازهای اجتماعی فرزندان توجه می‌کنند. بنابراین ممکن است به بازنگری اساس در فرایند اجتماعی شدن نیاز باشد

<sup>1</sup> Moitozo

دانش‌آموزان متوسطه این استان ۷۶۱۵۶ نفر است. به استناد فرمول برآورد حجم نمونه کوکران، حجم نمونه ۴۰۰ نفری از جامعه آماری انتخاب شد. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و تصادفی ساده بود. ابتدا شهرهای استان به‌طور خوشه‌ای انتخاب شدند و سپس مدارس هر شهر و در مرحله بعدی کلاس و در نهایت براساس لیست دبیر، نمونه‌ها به‌طور تصادفی ساده انتخاب شدند.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش پرسش‌نامه است. زکی (۱۳۸۲)، پرسش‌نامه مقیاس عوامل اجتماعی (SFS) را طراحی کرد. این پرسش‌نامه شامل ۲۶ سؤال است و سه عامل خانواده، گروه همسالان و مدرسه را در جامعه‌پذیری اندازه‌گیری می‌کند. آماره آلفای کرونباخ درخصوص پایایی ابزار به مقدار ۰/۸۵ در پژوهش زکی (۱۳۸۲) به دست آمد. همچنین در پژوهش قربانی (۱۳۹۲)، آلفای این ابزار ۰/۸۹ گزارش شده است. در این پژوهش، آلفای این ابزار ۰/۷۶ و برای پرسش‌نامه جامعه‌پذیری، آلفای ۰/۶۷ به دست آمد. علی‌نیا (۱۳۷۸)، پرسش‌نامه جامعه‌پذیری با مؤلفه‌های همکاری اجتماعی، پیوند و سازگاری اجتماعی شامل ۱۴ سؤال را ساخته است. پایایی این ابزار با استفاده از آلفای کرونباخ (۰/۸۳) به دست آمده است.

#### یافته‌ها

فرضیه اول: بین گروه همسالان، خانواده، مدرسه و جامعه‌پذیری رابطه وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

که در خانه آموزش دیده‌اند نسبت به بچه‌های آموزش دیده در مدارس عمومی، بهتر اجتماعی شده و به بلوغ رسیده‌اند. نخستین چیزی که سریع به ذهن می‌رسد این است که بچه‌هایی که در خانه آموزش دیده‌اند به اندازه کافی خانواده، نیازهای جامعه‌پذیری آنها را برآورده می‌کند و معنای عمیق‌تر این است که به یک تجدیدنظر در انگاشته‌های اساسی جامعه‌پذیری نیاز است.

بوکوسکی و همکاران (2007) دریافتند دختران و پسران نوجوان در بسیاری موارد شبیه به هم جامعه‌پذیر می‌شوند. والدین نوجوانان بزرگتر به‌طور کلی رفتارهای تنبیهی بیشتری و حمایتی کمتری نسبت به رفتارهای عاطفی فرزندانشان داشتند (Bukowski et al., 2007: 355).

زمن و همکاران (2013) در پژوهش خود دریافتند نوجوانان، جهان عاطفی خود را از طریق انواع تعامل با اعضای خانواده، معلمان و دوستان یاد می‌گیرند (Zeman et al., 2013: 79).

میلر اسلو و دانسمور (2016) در پژوهش خود نتیجه گرفتند دوستان نزدیک در دوره نوجوانی نفوذ زیادی روی هم دارند و والدین و دوستان در دوره نوجوانی در جامعه‌پذیری بسیار شبیه به هم عمل می‌کنند (Miller-Slough & Dunsmore, 2016: 287).

#### روش پژوهش

روش پژوهش همبستگی (توصیفی) با پیمایش اجتماعی است. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دبیرستانی استان گلستان است. براساس آخرین گزارش کارشناسی طرح و برنامه اداره کل آموزش و پرورش استان گلستان، آمار کل

جدول ۱- ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای بررسی شده

خانواده	مدرسه	همسالان	جامعه‌پذیری
۱	۰/۳۳۷**	۰/۴۶۷**	۰/۲۲۵**
۰/۳۳۷**	۱	۰/۳۸۴**	۰/۱۵۵**
۰/۴۶۷**	۰/۳۸۴**	۱	۰/۱۲۳*
۰/۲۲۵**	۰/۱۵۵**	۰/۱۲۳*	۱

\*\*همبستگی معنی‌دار است در سطح ۰/۰۱

\*همبستگی معنی‌دار است در سطح ۰/۰۵



جامعه‌پذیری ۰/۱۵۵ و همسالان و جامعه‌پذیری ۰/۱۲۳ است. فرضیه دوم: بین گروه‌های سنی مختلف، تفاوت معناداری در جامعه‌پذیری وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از آنوا استفاده شده است.

اطلاعات ارائه‌شده در جدول بالا نشان می‌دهد بین خانواده، مدرسه، گروه همسالان و جامعه‌پذیری ضریب همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. این همبستگی بین خانواده و مدرسه ۰/۳۳۷، خانواده و همسالان ۰/۴۶۷، خانواده و جامعه‌پذیری ۰/۲۲۵، مدرسه و همسالان ۰/۳۸۴، مدرسه و

جدول ۲- نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه روی میانگین نمرات بین گروه‌های مختلف سنی و جامعه‌پذیری

معنی‌داری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
		۵/۲۶۱	۳	۱۵/۷۸۲	بین گروه
۰/۹۴۳	۰/۱۲۹	۴۰/۸۷۶	۴۰۹	۱۶۷۱۸/۲۸۱	درون گروه
			۴۱۲	۱۶۷۳۴/۰۶۳	کل

فرضیه سوم: بین پسران و دختران تفاوت معناداری در جامعه‌پذیری وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از تی تست استفاده شده است.

اطلاعات مندرج در جدول بالا نشان می‌دهد در جامعه‌پذیری بین سنین مختلف، تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۳- آزمون تی تست بین جنس و جامعه‌پذیری

۹۵٪ فاصله اطمینان		تفاوت میانگین	معنی‌داری	درجه آزادی	T	جنس
بالا	پایین					
۱/۵۵۹۶	۱/۴۶۷۰	۱/۵۱۳۲۷	۰/۰۰۰	۴۵۱	۶۴/۲۸۷	جنس
۴۷/۶۹۶۲	۴۶/۴۶۳۳	۴۷/۰۷۹۷۳	۰/۰۰۰	۴۱۲	۱۵۰/۱۲۶	جامعه‌پذیری

فرضیه چهارم: گروه همسالان، خانواده و مدرسه پیش‌بینی‌کننده جامعه‌پذیری دانش‌آموزان است. برای آزمون این فرضیه از رگرسیون استفاده شده است.

اطلاعات ارائه‌شده در جدول بالا نشان می‌دهد در جامعه‌پذیری بین دختران و پسران تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۴- خلاصه مدل

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل‌شده	خطای استاندارد
۱	۰/۲۴۵a	۰/۰۶۰	۰/۰۵۱	۰/۱۵۵۰۴

پیش‌بینی‌کننده‌ها: همسالان، خانواده، مدرسه

جدول ۵- آنوا

مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	معنی‌داری
رگرسیون	۷۷۸/۹۵۷	۳	۲۵۹/۶۵۲	۶/۸۵۴	۰/۰۰۰
باقیمانده	۱۲۱۹۸/۸۰۶	۳۲۲	۳۷/۸۸۴		
کل	۱۲۹۷۷/۷۶۳	۳۲۵			

متغیر وابسته: جامعه‌پذیری

پیش‌بینی‌کننده‌ها: همسالان، خانواده و مدرسه

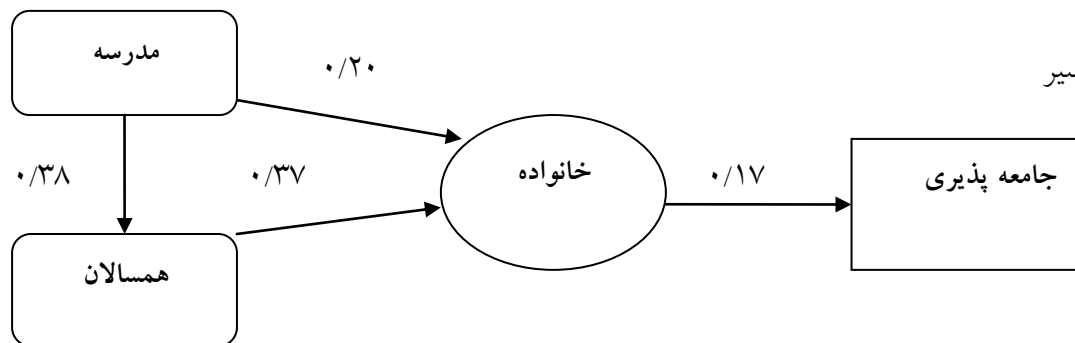
جدول ۶ - ضرایب رگرسیون

معنی داری	T	ضرایب استاندارد		ضرایب غیر استاندارد	مدل
		بتا	خطای استاندارد		
۰/۰۰۰	۸/۵۲۲	-		۳/۶۳۷	مقدار ثابت
۰/۰۰۶	۲/۷۶۸	۰/۱۷۲		۰/۱۰۱	خانواده
۰/۱۸۵	۱/۳۲۹	۰/۰۷۹		۰/۱۰۸	مدرسه
۰/۳۷۲	۰/۸۹۴	۰/۰۵۵		۰/۱۰۹	همسالان

متغیر وابسته: جامعه‌پذیری

فقط خانواده در معادله رگرسیونی باقی ماند؛ بدین ترتیب، خانواده پیش‌بینی‌کننده جامعه‌پذیری در این پژوهش است.

اطلاعات مندرج در جداول بالا نشان می‌دهد در پیش‌بینی جامعه‌پذیری با ورود سه متغیر خانواده، مدرسه و همسالان،



جدول ۷- تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر جامعه‌پذیری

متغیرهای مستقل	انواع تأثیر		کل (مجموع مستقیم و غیرمستقیم)
	مستقیم	غیرمستقیم	
خانواده	۰/۱۷	-	۰/۱۷
همسالان	-	۰/۰۶	۰/۰۶
مدرسه	-	۰/۰۲	۰/۰۵

### بحث و نتیجه

هدف از انجام این پژوهش، بررسی نقش عوامل اجتماعی در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان دبیرستانی استان گلستان بود. در تحلیل داده‌ها در آزمون فرضیه بین گروه همسالان، خانواده، مدرسه و جامعه‌پذیری رابطه وجود دارد. یافته‌ها نشان دادند بین خانواده، مدرسه، گروه همسالان و جامعه‌پذیری ضریب همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. این همبستگی بین خانواده و مدرسه ۰/۳۳۷، خانواده و همسالان ۰/۴۶۷، خانواده

از میان سه متغیر مستقل که بر مبنای مدل نظری بر متغیر جامعه‌پذیری تأثیر مستقیم داشتند، فقط متغیر خانواده تأثیر مستقیم بر جامعه‌پذیری داشت و دو متغیر همسالان و مدرسه تأثیر مستقیم نداشتند و از معادله رگرسیون خارج شدند. مدرسه و همسالان با تأثیر بر خانواده روی جامعه‌پذیری اثر غیرمستقیم داشتند؛ در واقع خانواده نقش تعدیل‌گر را ایفا کرده است. مدرسه با خانواده (۰/۰۲) و مدرسه و همسالان با خانواده (۰/۰۳) در مجموع ۰/۰۵ بر جامعه‌پذیری اثر غیرمستقیم داشتند.

مدارس نیز در فرایند اجتماعی‌شدن نقش دارند. آموزش در مدارس یک فرایند رسمی است. برنامه معینی وجود دارد که باید از دروس فراگرفته شوند. در کنار برنامه آموزشی رسمی برنامه‌ای وجود دارد که بعضی جامعه‌شناسان آن را برنامه آموزشی پنهان نامیده‌اند که یادگیری کودکان را مشروط می‌کند. در مدارس از کودکان انتظار می‌رود به موقع در کلاس حاضر باشند، در کلاس آرام باشند، مقررات انضباطی مدرسه را بپذیرند و نسبت به آن پاسخ‌گو باشند. واکنش‌های معلمان نیز بر انتظاراتی تأثیر می‌گذارد که کودکان از خودشان دارند. اینها به نوبه خود با تجربه شغلی آنها هنگامی پیوند می‌یابد که مدرسه را ترک می‌کنند (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۰۶).

در آزمون فرضیه «بین گروه‌های سنی مختلف، تفاوت معناداری در جامعه‌پذیری وجود دارد». یافته‌ها نشان دادند در جامعه‌پذیری بین سنین مختلف تفاوت معنی‌داری وجود دارد. پیروی از فشار همسالان در نوجوانی بیشتر از کودکی یا اوایل بزرگسالی است. فرایند پیچیده‌ای است که با توجه به سن نوجوان و نیاز او به تأیید اجتماعی و با در نظر داشتن موقعیت فرق می‌کند. پس از بررسی ۴۰۰ نوجوان دبیرستانی معلوم شد آنها درباره جنبه‌های خاصی از فرهنگ همسالان، مانند نوع لباس پوشیدن و آراستن سر و وضع، شبیه سایر اعضای گروه و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، نظیر قرار ملاقات و رفتن به مهمانی‌ها بیشترین فشار را احساس می‌کردند. فشار همسالان برای انجام دادن رفتارهایی نظیر گرفتن نمرات خوب و همکاری با والدین نیز سودمند بود. فشار برای رفتار ناشایست در اوایل نوجوانی افزایش یافت؛ اما در مقایسه با سایر زمینه‌ها کم بود. بسیاری از نوجوانان گفتند دوستانشان آنها را از اعمال ضداجتماعی برحذر می‌داشتند. این یافته‌ها نشان می‌دهند همسالان و والدین، بیشتر به‌طور هماهنگ برای اهداف مطلوب عمل می‌کنند و بالاخره فشار همسالان فقط به مقدار کم با ارزش‌ها و رفتارهای نوجوانان ارتباط داشت. این نوجوانان همیشه از دستورات همسالان پیروی نمی‌کردند

و جامعه‌پذیری ۰/۲۲۵، مدرسه و همسالان ۰/۳۸۴، مدرسه و جامعه‌پذیری ۰/۱۵۵، همسالان و جامعه‌پذیری ۰/۱۲۳ است. نتایج این پژوهش با پژوهش سیدی (۱۳۹۲) همخوانی دارد. خانواده، نخستین و مهم‌ترین عامل جامعه‌پذیری فرد محسوب می‌شود؛ بنابراین در طی فرایند جامعه‌پذیری سعی می‌کند هنجارها و ارزش‌هایی را در فرد درونی کند که خود حامل آن است. این رابطه نشان‌دهنده کلیه نظریه‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی است که بر نقش اساسی خانواده در شکل‌گیری رفتار فرد، گرایش‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای او تأکید داشته‌اند (ذوالفقاری زعفرانی و علی‌نیا، ۱۳۹۱).

اجتماعی‌شدن توسط گروه‌ها و عوامل اجتماعی‌شدن صورت می‌گیرد. در همه فرهنگ‌ها، خانواده عامل اصلی اجتماعی‌شدن کودک در دوران طفولیت است. در بیشتر جوامع سنتی، خانواده‌ای که فرد در آن متولد می‌شود تا اندازه زیادی تعیین‌کننده موقعیت اجتماعی فرد در طول زندگی اوست؛ اما در جوامع امروزی، موقعیت اجتماعی به این ترتیب به ارث برده نمی‌شود. با این وجود، منطقه و طبقه اجتماعی خانواده‌ای که فرد در آن متولد می‌شود بر الگوهای اجتماعی‌شدن به شدت تأثیر می‌گذارد (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۰۴). یکی دیگر از عوامل، اجتماعی‌شدن است. گروه‌های همسالان، گروه‌های دوستی هم‌سن هستند. از طریق عضویت در این گروه‌ها، کودک زمینه کنش متقابل متفاوتی را درک می‌کند که در آن قواعد رفتار را می‌سنجد و کاوش می‌کند. روابط همسالان، بیشتر در سراسر زندگی شخصی اهمیت خود را حفظ می‌کنند و در شکل‌دادن به نگرش‌ها و رفتار افراد اهمیت پایداری دارند (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۰۵).

امروزه در جوامع مدرن با کمرنگ‌شدن نقش خانواده‌ها، نظام‌های آموزش و پرورش مدرن در شکل‌گیری شخصیت، رفتار و گرایش‌های فرد نقشی اساسی دارند. این رابطه نشان‌دهنده نظریه دورکیم و کلیه نظریه‌هایی است که مدرسه را عامل برتر جامعه‌پذیری دانسته‌اند (ذوالفقاری زعفرانی و علی‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۶۴-۱۴۷).

(Brown & Lohr, 1986). نوجوانانی که در اوایل نوجوانی هستند، شاید به علت نگرانی بیشتر درباره آنچه دوستانشان فکر می‌کنند، بیشتر از نوجوانان بزرگ‌تر تسلیم فشار همسالان می‌شوند (Brown et al., 1986)؛ بنابراین با افزایش سن، تأثیرپذیری از گروه همسالان کمتر می‌شود.

در آزمون فرضیه «بین پسران و دختران تفاوت معناداری در جامعه‌پذیری وجود دارد». یافته‌ها نشان دادند در جامعه‌پذیری بین دختران و پسران تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

اگر از چند دختر و پسر نوجوان بخواهید روابط صمیمی خود را توضیح دهند، احتمالاً بین آنها تفاوت جنسی خواهید یافت. صمیمیت عاطفی در روابط دوستی دخترها بیشتر از پسرهاست. دخترها بیشتر برای «فقط صحبت کردن» دور هم جمع می‌شوند؛ درحالی‌که پسرها معمولاً برای فعالیت مانند ورزش‌ها و بازی‌های رقابتی گرد هم می‌آیند. زمانی که پسرها صحبت می‌کنند، بیشتر بر موفقیت‌های خودشان یا دیگران تأکید می‌کنند (Buhrmester, 1996). دخترها معمولاً از طریق دوستی نیازهای اجتماعی و مشترک خود را و پسرها نیازهای مقام و تسلط را ارضا می‌کنند. این بدان معنی نیست که پسرها به‌ندرت رابطه صمیمی برقرار می‌کنند؛ بلکه کیفیت رابطه آنها تنوع بیشتری دارد. صمیمیت روابط پسرها به هویت جنسی مربوط می‌شود. پسرهای دو جنسیتی درست مانند دخترها، روابط صمیمی با هم‌جنس برقرار می‌کنند؛ درحالی‌که پسرهای با هویت مردانه به احتمال کمتری چنین رابطه‌ای را برقرار می‌کنند (Jones & Dembo, 1989).

در آزمون فرضیه «گروه همسالان، خانواده و مدرسه پیش‌بینی‌کننده جامعه‌پذیری دانش‌آموزان است». یافته‌ها نشان دادند در پیش‌بینی جامعه‌پذیری با ورود سه متغیر خانواده، مدرسه و همسالان، فقط خانواده در معادله رگرسیونی باقی ماند؛ بدین ترتیب خانواده، پیش‌بینی‌کننده جامعه‌پذیری در اینجا است. نتایج این پژوهش با پژوهش حاضری و شریفی (۱۳۸۸) هم‌خوان نیست. در دوره جدید، تغییرات چشمگیری در عوامل جامعه‌پذیری صورت گرفته است؛ به‌طوری‌که

امروزه حضور در فضای مجازی بر فرد جامعه‌پذیر و دیگر عوامل جامعه‌پذیری تأثیر می‌گذارد. وزن و ترکیب عوامل جامعه‌پذیری (خانواده، مدرسه، همسالان و رسانه) در سه دوره سنتی، مدرن اولیه و مدرن متأخر دگرگون شده است. همچنین با پژوهش خوشفر (۱۳۷۴) هم‌خوانی دارد که نقش خانواده و مدرسه را از نهادهای اولیه اجتماعی کردن کودک و نوجوان بررسی کرده است. پژوهش جمشیدی (۱۳۷۱) نیز با نتایج این پژوهش هم‌خوان است که نقش خانواده، مدرسه و گروه همسالان را در هنجارپذیری دانش‌آموزان بررسی کرده است. همچنین نتایج این پژوهش با پژوهش دسترنج (۱۳۹۲)؛ قمصری (۱۳۷۳)، کتبی (۱۳۵۳)، اسدنژاد (۱۳۹۳)، مویتوزو (۲۰۰۲)، اسمدی (۱۹۹۲) و بامریند<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) هم‌خوان است.

خانواده برای کودک کم سن و سال معرف همه دنیایی است که او را احاطه کرده است. تصویر خود در نزد کودک، انعکاس احساسی است که اعضای خانواده نسبت به او دارند؛ بنابراین، تصویری که فرد از خود، جهان اطراف و افراد پیرامونش دارد به‌طور مستقیم تحت تأثیر وجه نظر و باورهای خانواده‌هایشان است. ارزش‌هایی که فرد می‌پذیرد و ایفای نقش‌های مختلفی که از او انتظار می‌رود در بدو امر، درون شبکه روابط خانوادگی آموخته می‌شود و کودک آنها را فرا می‌گیرد (کوئن، ۱۳۸۲). با تأیید این فرضیه، فرضیه‌های گود، آیزنبرگ، کولی و پارسونز تأیید می‌شود که بر نقش خانواده در جامعه‌پذیری تأکید می‌کردند.

باتوجه به تأیید فرضیه اول که بین گروه همسالان، خانواده، مدرسه و جامعه‌پذیری همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد به نظر می‌رسد تقویت تحکیم بنیان خانواده، تقویت دوستی گروه همسالان و همچنین پیوندهای دوستی در داخل مدارس به فرایند جامعه‌پذیری مثبت کمک می‌کند. تمرین فعالیت‌های گروهی و مشارکتی در خانه و مدرسه، پیوندهای دوستی را تقویت می‌کند و صمیمیت را افزایش می‌دهد و همچنین در بهبود فرایند جامعه‌پذیری موفق نوجوانان راهگشا است.

<sup>1</sup> Baumrind

در نهایت، یافته‌های فرضیه چهارم (گروه همسالان، خانواده و مدرسه پیش‌بینی‌کننده جامعه‌پذیری دانش‌آموزان هستند) نشان داد در پیش‌بینی جامعه‌پذیری با ورود سه متغیر خانواده، مدرسه و همسالان، فقط خانواده در معادله رگرسیونی باقی ماند؛ بدین ترتیب، خانواده پیش‌بینی‌کننده جامعه‌پذیری در اینجا است. این موضوع نشان‌دهنده نقش محوری خانواده در عصر حاضر است که با ورود سایر عوامل جامعه‌پذیری، همچنان نقش خانواده پررنگ‌تر از سایر عوامل جامعه‌پذیری است؛ بنابراین، تقویت بنیان خانواده به دلیل تأثیر منحصر به فردش توصیه می‌شود.

#### تقدیر نامه

جا دارد از زحمات شورای پژوهشی اداره کل آموزش و پرورش استان گلستان خصوصاً از برادران ارجمند جناب آقایان دکتر سرگزی، صادقی و حبیبی به خاطر حمایت‌های بی‌دریغ و صبوری‌شان تشکر کنم. همچنین از راهنمایی استاد فرزانه جناب آقای دکتر شارع پور ناظر محترم طرح و مدیریت و همکاران ادارات آموزش و پرورش استان و همه کسانی که در این پژوهش همکاری داشتند تقدیر و تشکر نمایم.

#### منابع

آیزنبرگ، ن. (۱۳۷۸). *رفتارهای اجتماعی کودکان*، ترجمه: ملکی، ب.، تهران: ققنوس.

اداره کل آموزش و پرورش گلستان واحد طرح و برنامه. (۱۳۹۱). کتاب نامه آماری.

اسدنژاد، م. (۱۳۹۳). *مقایسه نقش خانواده و مدرسه در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه فیروزآباد فارس*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد.

اعزازی، ش. (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر*، تهران:

همچنین باتوجه به تأیید فرضیه دوم (بین گروه‌های سنی مختلف، تفاوت معناداری در جامعه‌پذیری وجود دارد)، افزایش سن و کسب تجربیات جدید روند جامعه‌پذیری را تسهیل می‌کند. داشتن برنامه‌های آموزشی متناسب با سن دانش‌آموزان در موفقیت فرایند جامعه‌پذیری آنان موثر است. باتوجه به تأیید فرضیه سوم (بین پسران و دختران تفاوت معناداری در جامعه‌پذیری وجود دارد)، تفاوت‌های جنسیتی بین پسران و دختران تأیید شد؛ بنابراین در فرایند جامعه‌پذیری، آموزش‌های ما باید بر پذیرش این تفاوت‌ها باشد.

براساس بررسی‌ها و با استناد به گزارش اداره سلامت جوانان کشور، سن بلوغ دختران ایرانی از ۱۳/۸ به ۱۲/۶۵ رسیده است. در سال‌های اخیر، شاهد بلوغ زودرس دختران در سن پایین هستیم که این مسئله، مسئولیت والدین و جامعه را در قبال دوران بلوغ دختران دو چندان می‌کند. دختران در آینده، نقش بسیار مهم مادر شدن را عهده‌دار می‌شوند؛ بنابراین، بلوغ آنها حساسیت و اهمیت بیشتری نسبت به پسران دارد. همچنین فوران احساسات در دختران در مقایسه با پسران اهمیت توجه به بلوغ دختران را توجیه می‌کند. والدین در دوران بلوغ، شاهد رفتارها و اعمالی از دختران هستند که زمینه نگرانی آنها را فراهم می‌کند. در این دوران بین والدین و نوجوان اختلاف‌های زیادی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که سبب تنش بین آنها می‌شود. دخترانی که در سن پایین سعی دارند رفتارها و اعمالشان را شبیه به بزرگ‌ترها کنند و گمان می‌کنند با بلوغ جسمی به بلوغ اجتماعی رسیده‌اند، خواهان استقلال در همه امور زندگیشان هستند و ددرسه‌های بسیاری را برای خانواده و جامعه به وجود می‌آورند و به انواع انحراف‌ها کشیده می‌شوند. در مقابل، دخترانی که از بلوغ زودرس واهمه دارند و این دوران را با هراس و استرس زیادی سپری می‌کنند، آسیب‌های شدیدی می‌بینند و سعی می‌کنند تغییرهای جسمانی خود را از دیگران مخفی کنند و کمتر در اجتماع حضور پیدا کنند. بدین ترتیب، منزوی و گوشه‌گیر می‌شوند (اسدنژاد، ۱۳۹۴: ۵۳۱-۵۳۰).

- انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- امیری قمصری، ا. (۱۳۷۳). نقش خانواده در اجتماعی‌کردن فرزندان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. پژوهش علوم اجتماعی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی.
- تنهایی ح.ا. (۱۳۷۹). در آمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، مشهد: مرنديز.
- جمشیدی، ف.؛ اعظم‌زاده، م.؛ عاشوری، ا. و قاضی‌نژاد، م. (۱۳۷۴). مقدمه‌ای بر نقش خانواده، مدرسه، گروه همسالان در هنجارپذیری دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر تهران، طرح پژوهشی به سفارش سازمان مرکزی دانشگاه تهران.
- حاضری، ع.م. و شریفی، ا. (۱۳۸۸). «بررسی تجربه جامعه‌پذیری دانش‌آموزان سال اول و دوم دبیرستان‌های پسرانه شهر تهران و مقایسه آن با دو نسل قبل از خود»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، ش ۴، ص ۷۷-۴۳.
- حسن‌پور، ن. (۱۳۹۳). بررسی جامعه‌شناختی رابطه الگوهای جامعه‌پذیری دانش‌آموزان در خانواده با میزان آگاهی هویت جنسی آنان (مطالعه موردی: دانش‌آموزان متوسطه دوره دوم شهر اردبیل)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال.
- چلبی، م. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی نظم تشریح و تحلیل نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.
- حق‌شناس، ع.م.؛ سامعی، ح. و انتخابی، ن. (۱۳۸۷). فرهنگ معاصر هزاره، چاپ سیزدهم، تهران: فرهنگ معاصر.
- خوشفر، غ.ر. (۱۳۷۴). مقایسه ارزش‌ها در بین نوجوانان شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، استاد راهنما باقر ساروخانی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- دسترنج، م. (۱۳۹۲). «بررسی رابطه ویژگی‌های خانواده با جامعه‌پذیری فرزندان»، مجله زن و مطالعات خانواده، س ۶، ش ۲۲، ص ۹۸-۷۹.
- ذوالفقاری زعفرانی، ر. و علی‌نیا، ع. (۱۳۹۱). «بررسی نهاد خانواده و مدرسه بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان مقطع متوسطه رودهن»، فصلنامه پژوهش اجتماعی، دوره سوم، ش ۸، ص ۱۶۴-۱۴۷.
- ریانی خوراسگانی، ع. و مؤمنی‌راد، ف. (۱۳۹۵). «بررسی عوامل تربیتی موثر بر جامعه‌پذیری فرزندان براساس روش تحلیل مضمون (مطالعه موردی دو گروه از مادران آسیب‌دیده شهر اصفهان)»، دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، س ۵، ش ۸، ص ۶۷-۴۷.
- روایی، س. (۱۳۷۸). بررسی چگونگی الگوپذیری دانش‌آموزان دختر دبیرستانی منطقه ۱۷ آموزش و پرورش شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد امور فرهنگی (گرایش مدیریت)، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- زکی، م.ع. (۱۳۸۲). «ساخت و اعتباریابی مقیاس عوامل جامعه‌پذیری و بررسی تأثیر آن بر شکل‌گیری هویت دانش‌آموزان»، مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، ج ۴، ش ۱، ص ۳۰۶-۲۸۱.
- ستوده، ه.ا.؛ قنادان، م. و مطیع، ن. (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی مفاهیم کلیدی، چاپ دوم، تهران: آوای نور.
- ستوده، ه.ا. (۱۳۸۵). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، تهران: نشر آوای نور.
- سلیمی، ع. و داوری، م. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی کجروی، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سیدی، ز. (۱۳۹۲). «تأثیر مدرسه بر فرایند جامعه‌پذیری دانش‌آموزان شهر گرگان در مقایسه با سایر عوامل اجتماعی شدن»، نشریه جامعه و مدرسه، ش ۱، ص ۸-۱۲.

- شرفی، م.ر. (۱۳۸۱)، *جوان و بحران هویت*، چاپ سوم، تهران: انتشارات سروش.
- شهرآرای، م. (۱۳۸۴). *روان‌شناسی رشد نوجوان دیدگاهی تحولی*، تهران: نشر علم.
- صداقت‌زادگان، ش. و امیدوار، پ. (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر عوامل اجتماعی و بلوغ زودرس بر جامعه‌پذیری دختران (مطالعه موردی: دختران دوره راهنمایی شهر شیراز)»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره ۴، ش ۳، ص ۵۵-۵۲۹.
- علی‌نیا، ع.ر. (۱۳۷۸). *بررسی تأثیر نهاد خانواده و مدرسه بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان مقطع متوسطه منطقه رودهن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- قربانی، ع.ر. (۱۳۹۲). *عوامل اجتماعی، ویژگی‌های شخصیتی و رابطه آن با سبک‌های هویتی نوجوانان استان گلستان*، پایان‌نامه دکتری رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه یو پی ام مالزی.
- کتبی، م. (۱۳۵۵). «بازتاب پیام‌های خانواده و مدرسه و تلویزیون»، *نامه علوم اجتماعی*، دوره دوم، ش ۱، ص ۷۳-۱۰۳.
- کوئن، ب. (۱۳۸۲). *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه: توسلی، غ.ع. و فاضل، ر.، تهران: نشر سمت.
- گیدنز، آ. (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی*، ترجمه: صبوری، م.، تهران: نشر نی، چاپ بیست و ششم.
- کیگان، ج.؛ ماسن، پ.؛ هوستون، آ.ک. و کانجر، ج.ج.و. (۱۳۸۰). *رشد و شخصیت کودک*، ترجمه: یاسایی، م.، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- محسنی، ر.ع. (۱۳۸۷). «نقش جامعه‌پذیری کودکان و دانش‌آموزان در پیشگیری از بزهکاری و کجروی اجتماعی»، *فصلنامه خانواده و پژوهش*، س ۲، ش ۳، ص ۱۳۸-۱۲۳.
- ویسی، ا. (۱۳۹۳). *بررسی تأثیر رسانه‌های ارتباط تصویری بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان دبیرستانی (پایه سوم و چهارم) شهر کوههدشت*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز.
- Baumrind, D. (2000) "Computers as Socialization agent and Entertainment", *Children and the Web*, 4:128-150.
- Bourdieu, P. & Passeron, J. C. (1970) *La reproduction éléments pour une théorie du système d'enseignement*. French: Editions de Minuit.
- Scruton, R. (2007) *The Palgrave Macmillan dictionary of political thought* (Third ed.): Springer.
- Auxiliadora Dessen, M. & Torres, Cláudio V. (2002) "Family and Socialization Factors in Brazil: An overview". *Online Readings in Psychology and Culture*, 6(3): 2.
- Brechwald, Whitney A. & Prinstein, Mitchell J. (2011) "Beyond Homophily: A Decade of Advances in Understanding Peer Influence Processes". *Journal of Research on Adolescence*, 21(1): 166-179.
- Brown, B. B. (1990) Peer groups and peer cultures. In S. S. Feldman & G. R. Elliott (Eds.), *At the threshold: The developing adolescent* (pp. 171-196). Cambridge, MA, US: Harvard University Press.
- Brown, B.B. Lohr, M.J. McClenahan, E. I. (1986) "Early Adolescents' Perceptions of Peer Pressure". *Journal of Early Adolescence*, 6: 139-154.
- Brown, B.B. Clasen, D.R. Eicher, S.A. (1986) "Perceptions of Peer Pressure, Peer Conformity Dispositions, and Self- Reported Behavior Among Adolescents". *Developmental Psychology*, 22: 521-530.
- Buhrmester, D. (1996) Need fulfillment, interpersonal competence, and the developmental contexts of early adolescent friendship. In W.M Bukowaski, A. F. Newcomb, W. W. Hartup(Eds.), *The company they keep: Friendship during childhood and adolescence*, New York: Cambridge University Press. p 158-185.
- Bukowski, W. M. Brendgen, M. & Vitaro, F. (2007) Peers and Socialization: Effects on Externalizing and Internalizing Problems. *Handbook of Socialization: Theory and Research*, 355-381, New York, NY, US: Guilford Press.
- Collins, W. A. & Laursen, B. (2004) "Changing Relationships, Changing Youth: Interpersonal Contexts of Adolescent Development". *The Journal of Early Adolescence*, 24(1): 55-62.
- Eisenberg, N. Cumberland, A. & Spinrad, T. L. (1998) "Parental Socialization of Emotion".

- international perspectives*, 79-106.
- Moitozo, S. (2002) *The real goal of education*. <http://www.Athomeinamerica.Com>.
- Gilbert, P.A. (2015) "Effects of Puberty and Parenting on Adolescent Psychosocial, Dissertation of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy in the Department of Psychology", *Developmental Psychology*, 17: 1-30.
- Psychological Inquiry, 9(4): 241-273.
- Ellis, Godfrey J. & Petersen, Larry R. (1992) "Socialization Values and Parental Control Techniques: A Cross-Cultural Analysis of Child-Rearing". *Journal of Comparative Family Studies*, 23(1): 39-54.
- Hartup, W.W. (1983) Peer relations. *Handbook of child psychology: formerly Carmichael's Manual of child psychology*/Paul H. Mussen, editor.
- Jones, G.P. Dembo, M.H. (1989) "Age and Sex Role Differences in Intimate Friendships During Childhood and Adolescence". *Merrill-Palmer Quarterly*, 35: 445-462.
- Kâğıtçıbaşı, Ç. (1990) Family and socialization in cross-cultural perspective: a model of change. In J. J. Berman (Ed.), *Current theory and research in motivation*, Vol. 37. *Nebraska Symposium on Motivation, 1989: Cross-cultural perspectives* (pp. 135-200). Lincoln, NE, US: University of Nebraska Press
- Miller-Slough, R. L. & Dunsmore, Julie C. (2016) "Parent and Friend Emotion Socialization in Adolescence: Associations with Psychological Adjustment". *Adolescent Research Review*, 1(4):287-305.
- Morris, Amanda Sheffield, Silk, Jennifer S, Steinberg, Laurence, Myers, Sonya S, & Robinson, Lara Rachel. (2007). "The Role of The Family Context in The Development of Emotion Regulation". *Social Development*, 16(2):361-388.
- Rubin, Kenneth H. Oh, Wonjung, Menzer, M. & Ellison, K. (2011) "Dyadic Relationships from A Cross-Cultural Perspective: Parent-Child Relationships and Friendship". *Socioemotional Development in Cultural Context*:208-237.
- Savin-Williams, R. C., & Berndt, T. J. (1990) Friendship and peer relations. In S. S. Feldman & G. R. Elliott (Eds.), *At the threshold: The developing adolescent* (pp. 277-307). Cambridge, MA, US: Harvard University Press.
- Shipman, Kimberly L. Zeman, Janice, Nesin, April E. & Fitzgerald, M. (2003) "Children's Strategies for Displaying Anger and Sadness: What Works with Whom?" *Merrill-Palmer Quarterly*, 49(1):100-122.
- Smedley, Thomas C. (1992) *Socialization of home school children: a communication approach*. Radford University.
- Zeman, J. Cassano, M. & Adrian, Molly C. (2013) Socialization influences on children's and adolescents' emotional self-regulation processes. *Handbook of self-regulatory processes in development: New directions and*